

اخلاص حاج یونس

برای پرواز یونس حبیبی، کسی که رنج شیمیایی بودن را تحمل کرد و با نوحه خاطر ه انگیز «غمنامه حضرت رقیه(س)» می شناسیم اش



پرونده

یونس حبیبی ملقب به میثم، مداحی با اخلاص، کسی که سبک جدیدی از ذکر مصیبت اهل بیت(ع) را با نوحه معروف «غمنامه حضرت رقیه(س)» با آن روایت محزون و خاص ارائه کرد، بعد از سال ها تحمل رنج شیمیایی شدن در دفاع مقدس، بامداد روز یک شنبه از میان ما رفت. مرد بزرگی که چهره اش به اندازه صدایش آشنا نیست. او از نسلی بود که اخلاص برای شان حرف اول را می زد. ترجیح می داد در چشم اربابش دلبری کند تا برای دوربین ها و ... مردی که فقط و فقط برای رضای اهل بیت(ع) خواند. به بهانه جذب جوانان، حاضر نبود اصالت روضه را فدا کند. به دنبال هیجان و حاشیه و ... نبود. کیفیت مراسم برای این نسل مهم بود نه کمیت اش. زرق و برق چند دوربین، دكور و خیلی چیزهای غیر ضروری که در برخی هیئت های بزرگ متداول شده است، او را نگرفت و تا پایان حیاتش همان خلق و خوی قدیم را داشت. نهایت این که می توانستیم چهره یک مداح از نسل او را ببینیم، کاور نوار کاست بود. کاورهایی که طراحی بسیار ضعیفی داشتند و حتی خیلی وقت ها خود نوار کاست هم کیفیت نداشت چون با ضبط دو کاسته اقدام به کپی می کردیم. برای آن که روضه قدیمی را بشنویم نیازی به کیفیت بالای ضبط صدا یا قدرت پخش دستگاه نبود. این سوز ذاکر بود که ما را همراه می کرد. روزگاری بود که نزدیک حرم مطهر علی بن موسی الرضا(ع) صدای ذاکران را می شنیدیم. یونس حبیبی یکی از آن ها بود. کسی که بدون حضور در تلویزیون، بدون آن که اسم و رسمی داشته باشد صدایش در همه کشور پخش شد. غیر از اطراف حرم، گاهی یک نوار فروش یا موتور به کوچه ما می آمد. بیشتر وقت ها هم صدای اهنگران از باند روی موتورش پخش می شد که می خواند: «جاده واسب مهیاست بیا تا برویم، کربلا منتظر ماست بیا تا برویم، ایستاده است به تفسیر قیامت خورشید، آن سوی واقعه پیداست بیا تا برویم...» گاهی هم صدای شعر خوانی های پرسوز مرحوم آقاسی را می شنیدیم که می خواند: «سحرگاه اعزام پادش به خیر، و گردان گمنام پادش به خیر...» گاهی هم نوای محزون حسین فخری: «بنشین تا به تو گویم زینب غم دل با تو بگویم زینب، بعد من قافله سالار تویی خواهر من، دختر حیدر کرار تویی خواهر من...» اما پدیده سال های پایانی دهه ۷۰ در مداحی یونس حبیبی بود. مداح گمنامی که غمنامه ای سوزناک از سه ساله اباعبد... را روایت کرد و حین خواندن صدای گریه خودش هم می آمد، «می خوام بگم دختر تو، درد و بلا کم ندیده، تو بچه ها هیچ کسی رو، مثل رقیه ندیده، میگی به جا خرابه بود، خرابه ای تو شهر شام، گریه می کرد و هی می گفت، عمه بریم پیش بابا...» با همین که رفتی، اسب بی تو باز اومد، یهو دیدیم ز هر طرف، یه عالمه سرباز اومد...» این مداحی حدود ۵۰ دقیقه بود، بدون آن که وارد شور شود، بدون آن که تند شود، اما به شکل عجیبی همه آن را دوست داشتند. کودکان و نوجوانان زیادی آن را حفظ کردند و هر چند به ظاهر نام یونس حبیبی هم با این نوحه ماندگار شد اما در حقیقت ارادت او به سیدالشهدا بود که نامش را ماندگار کرد. اصل ماجرا این بود که حاج یونس باروضه خواندن خودش برای بی رقیه جگرش آتش می گرفت و همین عشق و اخلاق به لطف سیدالشهدا نام او را برای چند نسل ماندگار کرد، آن هم با باقیات صالحاتی که هر بار کسی با آن گریه کند، اجر یونس بیشتر می شود.



روضه ای برای حضرت رقیه(س) که بی مثال است

حاج یونس مداحی را از ۵ سالگی شروع کرد، در جبهه ادامه داد و تا آخر عمر عاشق اش ماند



نوحه ز بیای «غمنامه حضرت رقیه» که در ذهن بسیاری از هیئتی ها ماندگار شده، اثری دلنشین و خاطره انگیز از این مداح شهید است. او خودش در پاسخ به این سوال که مداحی را چطور آغاز کرده، گفته: «۵ سالم بود که با پدرم پای منبر شیخ احمد کافی می رفتم. حاج محسن طاهری، ولادت حضرت زهرا(س) در مهدیه می خواند. پای منبرش نگاه می کردم و لذت می بردم. در عالم خردسالی آرزو کردم که روزی بشود من همان جا با یستم و بخوانم. آرزویم سال ۶۴ برآورده شد و من در مهدیه برای اولین بار خواندم.»



گرفتن مراسم ختم برای او بعد از کربلای ۸!

همان طور که گفته شد، او در سال ۶۴ و در سن ۱۷ سالگی به جبهه رفت و تا انتهای جنگ و بعد از آن در قرارگاه رمضان حضور داشت. بارها تیرو ترکش خورد و در جنوب، طی هفت مرحله شیمیایی شد. یک بار هم بعد از عملیات کربلای ۸ برایش مراسم ختم گرفته بودند! در خط عراق مجروح شده و ۴۵ روز در منطقه جامانده بود و هیچ فردی از او خبر نداشت. آقای سینکی یکی از همرزماش، پلاک یونس را دیده و گفته بود که به شهادت رسیده است.

شهادت بعد از ۳ بار سکنه مغزی

حاج یونس حبیبی که به میثم معروف بود پس از سه بار سکنه مغزی، حدود ۷۲ ساعت را در حالت کما به سر برد و حتی در بهمن سال ۹۵ خبر درگذشت او در فضای مجازی منتشر شد اما پس از سه روز از اغما خارج شد و به زندگی بازگشت، هر چند

دیگر نه توانست بخواند و نه امور جاری زندگی اش را سامان دهد. این مداح اهل بیت(ع) در ۲۱ خرداد ۹۸ مجدده کما رفت و بعد از چندماه، بخشی از هوشیاری خود را به دست آورد اما در نهایت بامداد امروز ۷ اردیبهشت ۹۹ مصادف با دومین روز از ماه رمضان به همرزمان شهیدش پیوست.

پای منبر مرحوم کافی و شاگرد محسن طاهری حبیبی که در خردسالی با پدرش پای منبر مرحوم شیخ احمد کافی و مداحی حاج محسن طاهری حاضر می شده، آن روز ها آرزو داشته تا خودش به عنوان مداح مهدیه پشت میکروفن قرار بگیرد. جالب است که این اتفاق، اوایل دهه ۶۰ می افتد و یونس نوجوان که برای دفاع از مرزهای میهن راهی جنوب کشور شده بود، در خلال آمد و رفت هایش به تهران در مهدیه دعا می خواند و مداحی می کند.

رشادت های نظامی در کنار مداحی های حماسی حاج یونس در نوجوانی به جبهه های جنگ اعزام شد و تا یک سال پس از پایان دفاع مقدس در مناطق عملیاتی حضور داشت. حاج یونس که هفت بار در جبهه های جنوب دچار عوارض مسماران های شیمیایی دشمن شده بود، هیچ وقت سنگرش را رها نکرد و حتی بعد از پایان جنگ تحمیلی، باز هم برای خدمت به کشورش دغدغه داشت. حضورش در جبهه در کنار رشادت های نظامی با نوحه خوانی هایی همراه شد که جنبه های حماسی و رزمندگی داشت و انگیزه رزمندگان را برای ادای تکلیف و رزمندگی دوچندان می کرد. حاج یونس از سال ۶۲ به عضویت سپاه در آمد و دوره ای آموزشی را در تیپ آموزش لشکر ۲۷ محمد رسول... گذراند و آن قدر با استعداد بود که بعد از مدت کوتاهی، مدرس دوره های آموزش نظامی و مربی تانکینگ شد. در عملیات های والفجر ۸، کربلای یک، کربلای ۲، کربلای ۷ و کربلای ۸، توفیق حضور داشت و سال ۶۸ را قرارگاه رمضان انتقالی گرفت و به ستاد مشترک سپاه پاسداران نقل مکان کرد. او سپس چندین مسئولیت در سپاه داشت تا این که سال ۸۰ به صورت پیش از موعد بازنشسته شد.



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه • ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹
۲۸ آوریل ۲۰۲۰ • ۲ رمضان ۱۴۴۱
شماره ۲۰۳۶۵

۱۵۸۵

آنچه از عوارض بلندمدت کووید-۱۹ می دانیم

۲

مرز بین روان شناسان و کاسبان روان

در روز ملی روان شناس و مشاور از ۵ تفاوت اصلی روان شناس های حرفه ای و روان شناس نامها گفته ایم

۳

روزه گرفتن را برای فرزندان تان جذاب تر کنید

۳

مُشت آخر!

گفت و گو با نوجوان قهرمان بوکس که چند ماه پیش روی سکوی سوم آسیا ایستاد

۴

برخی از کاست های محبوب دهه ۷۰

دهه ۷۰ قبل از این که گوشی همراه با قابلیت پخش MP3 وجود داشته باشد، جوان ترها برای آن پر کردن لحظه های دلنگانی شان به سراغ واکمن هایی می رفتند که با دو تا باتری کار می کرد و هدفون به گوش غرق در خلوت خودشان می شدند. آن روزها نوار کاست در بورس بود و گوش دادن مداحی با واکمن حال و هوای خاص خودش را داشت. در این بین چند نوار کاست مداحی به شدت هوادار داشت که در ادامه به تعدادی از آن ها اشاره کرده ایم.

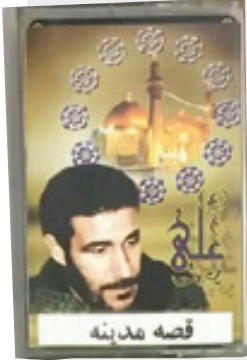
زینب زینب، مودن زاده هر کسی که اهل گوش دادن نوار کاست مداحی بوده حتما نوحه های مرحوم حاج سلیم مودن زاده اردبیلی را شنیده است. چون از مرحوم مودن زاده بیش از دو هزار عنوان نوار کاست مداحی به جامانده اما شنیدن نوحه «زینب، زینب، زینب» که برای شهادت حضرت زینب(س) خوانده شده حال و هوای دیگری داشت.

سلام من به مدینه، حاج منصور ارضی | واسط دهه ۷۰ بود که نوار کاست «سلام من به مدینه» یا همان «مدینه شهر پیغمبر» در نوار فروشی ها انقلاب بزرگی را به وجود آورد. یکی از دلایلی که این نوحه خیلی زود مورد توجه قرار گرفت این بود که در کنار قبرستان بقیع خوانده شده و پخش چندباره آن از تلویزیون هم باعث شد این مداحی حاج منصور ارضی بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

عمه بابایم کجاست، کویتی پور یکی از مداحی هایی که به طور گسترده مورد توجه قرار گرفت و مردم در ماشین یا ایستگاه های صلواتی آن را پخش می کردند، نوحه ای با حال و هوای سینه زنی جنوبی از کویتی پور بود که به «عمه بابایم کجاست» معروف شد. با پخش این نوحه از تلویزیون، حلقه و دور زدن حین سینه زنی به نسبت الگوی کوچه باز کردن قدیمی، متداول تر شد.

عشق یعنی... محمود کریمی | محمود کریمی هم در فاطمیه نوحه ای خواند که در زمان خودش پدیده فراگیری شد. حاج محمود می خواند، عشق یعنی عشق ناب فاطمه.... کریمی یک کاست محبوب هم با محمود رضا طاهری داشت که به نام «استخاره کردم امشب» معروف شد.

اگر آن ماه نمونه، محمدرضا طاهری | یکی از کاست های محبوب اواخر دهه ۷۰، جشن میلاد امام زمان(ع) در مهدیه تهران با مداحی محمدرضا طاهری بود که می خواند «اگر آن ماه نمونه، رخ خود را بنمونه، همه بت های جهان را، سر جاشون می نشونه...»



منابع: مشرق، فارس، عقیق